



شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین المللی و وضعیت نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

پدیدآورنده (ها) : نبوی، شهریار؛ حمزه ای، محمدرضا

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق شهروندی :: زمستان ۱۳۹۷ - شماره ۹

صفحات : از ۱۷۷ تا ۱۹۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1822529>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی نقش ادبیات انگلیسی در شکل‌گیری حقوق کودک با تمرکز بر روی آثار هارپر لی و چارلز دیکنز

عناوین مشابه

- تحلیلی بر تضمینات مزد کارگر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران؛ با نگاهی بر اسناد بین‌المللی
- سیاست‌های کلی اشتغال زنان در نظام حقوقی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با اسناد بین‌المللی
- تحدید حقوق متهمان جرائم تروریستی در تحقیقات پلیسی؛ (با نگاهی به اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران)
- محدودیت‌های آزادی مطبوعات؛ نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران
- نظام بین‌المللی حقوقی بشر و جمهوری اسلامی ایران
- مبانی قرآنی و تحلیل فقهی منع شکنجه با مطالعه اسناد بین‌المللی و حقوق ایران
- تحلیل ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر تعهدات دولت در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- بررسی قاچاق اعضای بدن انسان در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی
- جایگاه و نقش مبانی نظام حقوقی در تفسیر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- چالش‌های تعارض قوانین ناشی از جهانی شدن اوراق بهادار در نظام حقوقی ایران، انگلیس و اسناد بین‌المللی

شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین‌المللی و وضعیت نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

شهریار نبوی^۱، محمدرضا حمزه‌ای^۲

چکیده

در بسیاری از مباحث و اسناد بین‌المللی حقوق بشر با مفهومی تحت عنوان "ممنوعیت شکنجه" مواجه هستیم. به منظور اینکه بتوان روشن تر و صریح تر مراد و مقصود از این ممنوعیت را درک کرد می‌بایست بدانیم ممنوعیت شکنجه بعنوان یک رفتار غیر انسانی بیش از هر چیز ریشه در اصلی‌ترین مبنای حقوق بشر معاصر یعنی اصل کرامت انسانی دارد و خدشه بر کرامت انسانی سبب شده تا اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و مجازات‌ها و رفتارهای غیرانسانی و موهن، کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید. جملگی به ممنوعیت شکنجه تاکید ورزیده اند و آن را قبیح قلمداد می‌نمایند. در این میان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر آمده از یک حرکت آزادی خواهانه و دموکراتیک به منظور نیل به حاکمیت قانون و تامین حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان بوده است، در اصل ۳۸ خود به صراحت حکم به منع شکنجه و باطل بودن آن می‌دهد اما در این میان به باور برخی صاحب نظران و مسوولان، قوانین جزایی و عادی کشور در این زمینه فاقد انسجام و صراحت کافی بوده و نیاز به تصویب یک قانون جامع و کامل در این زمینه حس می‌شود، که در مقطعی میل به تصویب کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه در فضای کشور مطرح شد و به دلایلی که خواهیم دید این امر به نتیجه نرسید. لازم است در فضای امروز بین‌المللی به منظور دفاع از اعتبار بین‌المللی

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده‌ی مسئول
Shahryar.nabavi@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
m.r.hamzei1992@gmail.com

جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از اتهامات واهی و بی‌اساس در پس پرده‌ی حقوق بشر چاره‌ای برای همگن‌سازی بیشتر قوانین کشور با هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر اندیشید.

واژگان کلیدی: شکنجه، حقوق بشر، کرامت انسانی، شورای نگهبان، نسبت اخلاقی، فلسفه اخلاق کانت

مقدمه

در جهان امروز، به طور روز افزون با توسعه‌ی استانداردهای حقوق بشر و حرکت ملت‌ها به سوی همبستگی و آرمان جهان همبسته در سایه‌ی تضمین حقوق بنیادین انسان‌ها مواجه هستیم. در این میان نقش دولت‌ها در تحدید این حقوق و ایجاد مانع برای نیل به همبستگی و حقوق انسانی کماکان پررنگ است و در این راه اهمیت دادن هرچه بیشتر به نفوذ استانداردهای حقوق بشری به حاکمیت‌ها و رژیم حقوق داخلی کشورها و تبیین مبانی نظری حقوق بشر بین ملت‌ها و کنترل و فشار بر حاکمیت‌ها جهت رعایت موازین بین‌المللی اولویت دارد و برجستگی بحث حقوق بشر در مناسبات امروزی نظام بین‌المللی قابل مشاهده است. در این میان یکی از هنجارهای حقوق بشر که از گذشته‌های دور همواره مساله ساز بوده و اهمیت به سزایی دارد، ممنوعیت شکنجه است که در جمیع اسناد حقوق بشری به چشم می‌آید. قبیح و غیر قابل قبول بودن اعمال شکنجه چنان بدیهی می‌نماید که در اکثر رژیم‌های حقوق داخلی، بر منع آن تاکید شده است اما معمولاً مشکل در اشاعه و کنترل دقیق این هنجار در مراحل عملی است که در کشور ایران نیز گاه مساله ساز بوده است و ضروری می‌نماید به تبیین روشن تر این مساله و مبانی و هنجارهای آن پرداخته شود تا بتوان هم حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان را تامین نمود و هم از بهانه جویی‌های واهی در نظام بین‌المللی علیه ایران ممانعت به عمل آورد.

نوشتار زیر در پی پاسخ به چند سوال زیر است:

- ۱- اساساً شکنجه چیست و چرا هم به لحاظ اخلاق بشری و هم هنجارهای حقوق بشر منع شده است؟
- ۲- نسبت شکنجه با کرامت انسانی چیست؟

شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین‌المللی و وضعیت نظام حقوقی ایران ■ ۱۷۹

۳- نظام‌های فکری و اخلاقی در مورد شکنجه چه نظری دارند؟

۴- اسناد بین‌المللی حقوق بشر چه برداشت و چه موازینی در این مورد بیان داشته‌اند؟

۵- در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران شکنجه چه جایگاهی دارد و منع آن با چه سیر تاریخی مواجه شده است؟
باتوجه به روشن شدن اهمیت موضوع، در سه حوزه‌ی " مفهوم و مبنای منع شکنجه"، "شکنجه در اسناد بین‌المللی" و "شکنجه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران" به بررسی این بحث خواهیم پرداخت.

فصل اول: مفهوم شکنجه و چرایی قبح آن

مبحث اول - معنای لغوی و اصطلاحی شکنجه

در رابطه با معنای لغوی شکنجه در لغت نامه‌های فارسی معانی‌ای همچون: ایذا، رنج، عقوبت، تعذیب، شکستن و در هم پیچیدن و عذاب دادن ذکر شده است و به چوب بستن و با انبر آتشناک سوزانیدن مصطلح‌ترین و واضح‌ترین مثال‌ها و انواع شکنجه مورد اشاره واقع شده است و در معنای عرفی و اصطلاحی به رنج و آزار فرد به منظور تحت فشار قرار دادن او اطلاق می‌شود^۱. در ترمینولوژی حقوقی شکنجه، به ایراد آزار به فرد تعریف شده است تا او اقرار به بزه کرده یا تعهدی بنماید^۲. در زبان انگلیسی هم شکنجه معادل واژه‌ای آمده است که ظاهراً در زبان لاتین به معنای پیچاندن است^۳. تعریف خاص شکنجه در اسناد بین‌المللی معاصر آمده است که در ادامه‌ی مباحث و در فصل دوم به آن خواهیم پرداخت.

مبحث دوم - شکنجه و کرامت انسانی

بنیادی‌ترین اصل در حقوق بشر معاصر، کرامت انسانی^۴ بعنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر

۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، نهران، موسسه لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، صفحه

۱۴۴۱۰

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸) ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، صفحه ۲۳۰۱

3. Hawkins j, (1989) *The oxford reference dictionary*. oxford university Caledon press ,,p 31

4. Dignity

است. اصل کرامت انسانی می‌بایست به یک اصل هنجاری تبدیل شود یعنی در استانداردها و کلیه مصادیق سلبی و ایجابی اسناد حقوق بشری وارد شده، همه جا خود را نمایان کند. یعنی در تمامی موارد و مصادیقی که از هنجارهای حقوق بشری صحبت می‌کنیم، می‌بایست ابتدا و لنگر بحث استوار بر اصل کرامت انسانی بوده و این اصل در همه‌ی مصادیق ریشه بدواند. شکنجه امری غیراخلاقی به حساب می‌آید و علاوه بر جرم‌انگاری صریح آن در تمامی معاهدات عام و خاص بین‌المللی و نیز در قوانین داخلی، نشان‌دهنده‌ی سوءاستفاده‌ی یک فرد از قدرت خویش در مقابل فرد دیگر است. این سوءاستفاده، علاوه بر آن‌که حدومرزی ندارد، آشکارترین نوع تجاوز یک انسان به کرامت انسانی دیگری است.^۱ این نکته‌ی مهم، از بدیهیاتی است که تقریباً تمامی علمای حقوق و اخلاق بر آن اتفاق نظر دارند.

در بحث مهم منع شکنجه نیز ردپایی پررنگ از اصل کرامت انسانی قابل مشاهده است. به عبارت دیگر، شکنجه به طور قطع یکی از ابزارهای نقض و پایمال‌سازی اصل کرامت انسانی است. زیرا در کرامت، بحث اصلی از خودفرمانروایی^۲ و "سلطه و تسلط انسان بر نفس و اعمال خویش بصورت مسوولانه" است. به واقع، انسان دارای اراده‌ی آزاد است و خود او خواهد بود که در رابطه با ارتکاب یا عدم ارتکاب عملی تصمیم می‌گیرد و نوعی خودفرمانروایی بر ساختار ذهنی وی حکم فرماست.

حال باید ببینیم در شکنجه چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ اجمال این فرآیند این است که فرد شکنجه شونده در درونی‌ترین لایه‌ی ذهن خود و بنا بر سلطه، اراده و خودفرمانروایی که برخاسته از ذات آفرینش اوست، تصمیم بر سکوت گرفته است اما شکنجه گر می‌خواهد او را به سخن گفتن یا در عبارت دقیق تر، به انجام یک عمل خلاف تصمیم، تسلط و اراده‌ی آزاد او وادار نماید.^۳ در حقیقت، با اعمال فشار و صدمات روحی و بدنی و گاه حیثیتی، این شکنجه گر است که به جای شکنجه شونده تصمیم می‌گیرد و در واقع با اعمال حالتی از اکراه شدید، اراده‌ی آزاد تصمیم ساز او را زایل می‌نماید و خود را در جایگاه اراده‌ی او می‌نشانند. برای تقریب بیشتر به ذهن، می‌توانیم این حالت را به موقعیتی بدل نماییم که فردی (شکنجه گر) با دستکاری کردن

1. <https://www.cvt.org/blog/healing-and-human-rights/ten-facts-about-torture>

2. Autonomy

۳. نوبهار، رحیم (۱۳۹۳) جزوه‌ی حقوق بشر در اسلام، تهران: دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی

شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین‌المللی و وضعیت نظام حقوقی ایران ■ ۱۸۱

یک شیء، از آن بهره و استفاده‌ای مطابق خواست و میل خود ببرد!^۱ پر واضح است که این نگاه و این عملکرد به مثابه‌ی پایمال کردن شخصیت و کرامت یک انسان و نقض خودفرمانروایی اوست. از این روست که گفته می‌شود شکنجه باعث نفی استقلال و هویت انسانی شکنجه شونده و منجر به اضمحلال خودفرمانروایی و اراده‌ی آزاد او و در نهایت صدمه به اصل بنیادین کرامت انسانی خواهد بود.

مبحث سوم - ممنوعیت شکنجه در آینده‌ی فلسفه و اخلاق

چون اصل کرامت انسانی اصلی خدشه ناپذیر، مطلق و نقض ناشدنی است، لذا حق انسان بر شکنجه نشدن یک حق مطلق و منع شکنجه یک هنجار نقض ناپذیر خواهد بود.

در باره‌ی مطلق بودن یا نبودن منع شکنجه، با توجه نظام‌های گوناگون معرفتی و دیدگاه‌های متنوع در فلسفه‌ی اخلاق، می‌توان قضاوت‌های مختلفی را مطرح کرد و مورد بررسی قرار داد. در حقیقت، قضاوت ما در رابطه با مطلق بودن یا نسبی بودن منع شکنجه و قباحت یا عدم قباحت اخلاقی آن بطور مطلق، به سوگیری استدلالی ما در چارچوب نظام‌های فلسفه‌ی اخلاق و مبنا‌ی فلسفی ما بستگی خواهد داشت.^۲

برای مثال، اگر به مساله‌ی مطلق یا نسبی بودن قبیح شکنجه از منظر نظام اخلاقی منسوب به کانت یا اخلاق وظیفه‌گرا نگاه کنیم، شکنجه مطلقاً امری قبیح و ممنوع خواهد بود! بنا بر این دیدگاه، عمل اخلاقی برآمده از حس وظیفه‌ی درونی بوده و گزاره‌های اخلاقی امری مطلق هستند. بنابراین امر اخلاقی به هیچ وجه نمی‌تواند متحمل قید و استثنا باشد.^۳ پس شکنجه از آنجایی که نقض اراده‌ی آزاد انسان و کرامت اوست و امری قبیح از نظر اخلاق انسانی محسوب می‌شود، پس در هر حالت و به هر بهانه و ادعا ممنوع خواهد بود. اساساً از آنجایی که در دستگاه فلسفی کانت، انسان غایت جهان است، بی‌حرمتی به او بای نحو کان امری باطل، قبیح و خلاف خواهد

۱. همان

۲. همان، صفحه ۱۹

۳. برای مطالعه در اصول اخلاق کانت مراجعه شود به: کانت، ایمانوئل (۱۳۸۸) درس‌های فلسفه‌ی

اخلاق، منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، انتشارات نقش و نگار، چاپ چهارم، ص ۳۵

۴. محمدی، مسلم (۱۳۸۹) مکتب‌های نسبی‌گرای اخلاقی، قم، موسسه بوستان کتاب، ص ۱۵۲

بود. همچنین اصل جهان شمولی اخلاق کانتی که مفهومی قریب به اصل طلایی اخلاق در مسیحیت و اسلام دارد^۱، اقتضای باطل و مذموم بودن شکنجه را خواهد داشت. نوعی از صورت بندی امر مطلق را می‌توان به منزله مبنایی برای قاعده معروف موسوم به «قاعده طلایی» تلقی کرد که بیان می‌دارد: ما باید آن گونه عمل کنیم که انتظار داریم با ما عمل شود.^۲ باید توجه داشت که در تفکر کانت، نظام حقوقی هر جامعه باید اساس اخلاقی داشته باشد^۳ و لذا اینجاست که اهمیت قاعده‌ی طلایی اخلاق او بصورت عملی و در موردی مثل شکنجه در نظام حقوقی می‌تواند خود را نشان بدهد. باید توجه داشت که تفکرات کانت در رابطه با غایت جهان بودن انسان و حرمت ذاتی او لنگری استوار برای ایده‌ی حقوق بشر معاصر است.^۴

در سوی دیگر، در برابر باورهای اخلاق کانتی، با نظام اخلاقی سودانگاران^۵ مواجه هستیم. در تحلیلی که این مکتب از اخلاق ارایه می‌کند^۶، عمل اخلاقی عملی است که بیشترین سود و صرفه را برای فرد و جامعه ایجاد کند. به دیگر سخن، در چارچوب این نظام فکری، امر اخلاقی تابع سود و زیان و مصلحت خواهد بود. این سودگرایی به نوعی نسبت‌گرایی در تفکر اخلاقی برمی‌گردد. نسبی‌گرایی اخلاقی یعنی هیچ یک از اصول و آموزه‌های اخلاقی، حسن و قبح ذاتی و حقیقی ندارند. از این رو عواملی مانند زمان، مکان، سلیقه، قرارداد، عقل، عرف، شرع در آنها تاثیرگذار بوده و آنرا دستخوش تغییر خواهد کرد. نسبی بودن اخلاق یعنی اینکه حقیقتی نیست که برای همه وقت و همه جا خوب باشد! یک دستور العمل کلی همیشگی وجود ندارد بلکه در هر زمان

۱. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۰) حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، شهردانش، چاپ دوم، ص ۸۷

۲. اسکروتین، راحرز، کانت، علی پایا، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵، اول، ص ۱۳۵

۳. سالیوان، راجر (۱۳۸۰) اخلاق در فلسفه کانت، عزت الله فولادوند، تهران، طرح نو، چاپ اول، ص ۲۵

۴. قاری سید فاطمی، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: شهردانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵

5. Deaton M, 2011, Ethics in a Nutshell: An Intro for Ethics Bowlers, Second Edition Published by Notaed Press, Hanover

6. Utilitarianism

۷. برای مطالعه‌ی بیشتر این مکاتب نگاه کنید به: ساکت، محمدحسین (۱۳۷۰) نگرشی تاریخی به فلسفه‌ی حقوق، تهران، جهان معاصر، چاپ اول، صص ۹۷-۹۹

شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین‌المللی و وضعیت نظام حقوقی ایران ■ ۱۸۳

دستور اخلاقی باید به یک نحو باشد.^۱ پس بدیهی است در این مکتب می‌توان در برخی موارد نه تنها شکنجه را توجیه کرد و آن را عملی مشروع قلمداد کرد بلکه شاید بتوان آنرا تجویز و تشویق نمود! با توجه به قبح مطلق شکنجه در نظام حقوق بشر معاصر و ابتدای آن بر نظام اخلاقی کانتی، دشوار است بتوان چنین مبنایی را موجه تلقی نمود. در دیدگاه‌های نظام حقوق طبیعی نیز، از آنجا که در این سیستم اخلاق جایگاهی والا یافته و اصول حقوق طبیعی عام و جهان شمول به شمار می‌روند، مسلم است که هر هنجاری که بخواهد به اصل کرامت ذاتی انسان خلل وارد نماید، معیاری هرز و لغو خواهد بود.

مبحث چهارم - ممنوعیت شکنجه در آینه‌ی فقه اسلامی

در مصطلحات و الفاظ فقهی از شکنجه غالباً با لفظ "التعذیب" بحث می‌شود. از لحاظ لغوی، التعذیب، از مصدر عذب بوده و عذاب در لغت عربیه معنی ضرب و زدن است این واژه برای بیان امور شاقه و بسیار دشوار و سخت به عاریه گرفته شده به معنی کثرت ضرب به وسیله‌ی شلاق تعریف شده است.^۲ واژه‌ی مزبور دارای معنای مصطلح و عرفی در فقه نیست و تنها می‌توان با مراجعه به کتاب‌های لغوی و تفسیر به تعریفی از این واژه دست یافت.^۳ جایگاه بحث شکنجه در فقه چندان روشن نیست زیرا بسیاری از فقها اساساً چنین بحثی را مطرح نکرده‌اند و برخی آن را نه بعنوان یک مسأله‌ی مستقل و اصلی بلکه به مثابه‌ی امری فرعی، تبعی و اجمالی ذیل باب‌هایی نظیر جهاد، قصاص، تعزیرات و... مطرح ساخته‌اند. لذا همواره مراد از تعذیب در کلام فقها مفهومی که امروز از شکنجه مراد می‌کنیم نیست و روابط بین افراد با یکدیگر، حاکمیت، حیوانات و... را در بر گرفته است.

۱. محمدی، مسلم (۱۳۸۹) مکتب‌های نسبی‌گرایی اخلاقی، قم، موسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ص ۳۲

۲. محمود عبد الرحمن عبد المنعم، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهیه، جامعه الأزهر، جلد اول، ص ۴۷۰

۳. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، النشر الاول، مکتبه الاعلام الاسلامی، المجلد السادس، ص ۶۳

اما در رابطه با حکم شکنجه از منظر فقهی، بطور کلی ایذا و تعدیب انسان نسبت به انسان دیگر در شرع حرام بوده و چنان که دیدیم نزد عقل و عقلا قبیح و ظلم است. اما اگر بخواهیم به گونه‌ای دقیق نظر فقها را در مورد شکنجه بدانیم، با دو رویکرد متفاوت مواجه می‌شویم:

نخست رویکرد کسانی که شکنجه‌ی افراد توسط حاکم را تنها در مواردی خاص جایز می‌دانند^۱ دوم رویکرد کسانی است که شکنجه را مطلقاً ممنوع دانسته و اعمال آن را در هیچ حالتی جایز نمی‌شمارند^۲

عمده دلایلی که بر ممنوعیت و حرمت این عمل اقامه می‌شود، می‌توان مربوط به روایاتی دانست که بر تحریم و نهی از آزار مردم و زدن آنها دلالت دارند^۳ طرفداران رویکرد دوم، ممنوعیت شکنجه را به شکل حقوق مطلق ملاحظه نموده اند که در مقایسه با سایر ارزش‌های شرعی و اخلاقی محدود و مقید نمی‌شود اما طرفداران رویکرد نخست، ممنوعیت شکنجه را در برابر ارزش‌هایی نظیر حفظ سیستم موجود و ارزش‌های شرعی محدود می‌نمایند.

روایات متعددی دال بر نهی اذیت و آزار و زدن انسان‌ها وارد آمده است که برخی مستقیماً بر نهی و تحریم اذیت و آزار مردم توسط افراد تحت امر حکومت یعنی شکنجه به معنای دقیق امروزی، دلالت دارند.^۴

بطور کلی با تکیه بر آموزه‌های اخلاقی اسلام، روح روایات و تاکید بر حفاظت از کرامت و منزلت انسانی، ممنوعیت شکنجه و تعدی بر تمامیت جسمانی افراد در فقه شیعه قابل استفاده است و حتی قلبی که حکم بر جواز شکنجه در صورت نقض ارزش‌های بنیادین شرعی داده‌اند، بر مضیق بودن و محدود بودن آن به مقدار نیاز تاکید

۱. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹) الفقه، بیروت، دارالعلوم، الطبعة الثانية، جلد ۴۷، ص ۱۹۷
۲. حسینی طهرانی، سید محمد حسین (۱۴۱۵) ولایت فقیه در حکومت اسلام، تهران، انتشارات موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، چاپ اول، جلد چهارم
۳. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹) مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران، نشر سرایی، چاپ سوم، ص ۵۷۳
۴. برای مشاهده روایات نگاه کنید به: محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ قمری، جلد نهم، صص ۹۹-۱۰۳

شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین‌المللی و وضعیت نظام حقوقی ایران ■ ۱۸۵

داشته‌اند.^۱ در این خصوص در فصل سوم توضیحات تکمیلی و تحلیلی بیشتری ارائه خواهد شد.^۲

فصل دوم: شکنجه در اسناد بین‌المللی

مبحث اول - کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بی‌رحمانه،

غیرانسانی و موهن

در تاریخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۸۴ کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بی‌رحمانه، غیر انسانی و موهن به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و پیش از آن در تاریخ ۹ دسامبر سال ۱۹۷۵ اعلامیه‌ای تحت عنوان حمایت از افراد در برابر شکنجه و مجازاتهای بی‌رحمانه، غیر انسانی و موهن به تصویب مجمع رسیده بود که در واقع این کنوانسیون بر مبنا و شالوده‌ی اعلامیه‌ی فوق‌الذکر و همچنین قطعنامه‌ی ۱۹۷۷ مجمع که در آن از کمیسیون حقوق بشر در خواست شده بود در پرتو اصول مندرج در اعلامیه‌ی مذکور کنوانسیون تنظیم شود تا این رفتارها را ممنوع کند، تهیه و تصویب شده است.^۳ در مقدمه‌ی این کنوانسیون آمده است که با توجه به اصول ملل متحد که حکایت از شناسایی حقوق برابر برای همه‌ی انسان‌ها می‌کند و بر مبنای ماده‌ی ۵۵ منشور در جهت گسترش احترام جهانی به حقوق بشر و اینکه این حقوق ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است، کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی بی‌رحمانه و موهن به تصویب رسیده است. در این مقدمه همچنین به مبنا قرار گرفتن ماده‌ی ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده‌ی ۷ میثاق مدنی و سیاسی و ماده‌ی ۵ اعلامیه مجمع عمومی در ۱۹۷۵ اشاره شده است.

در ماده‌ی ۱ این کنوانسیون تعریف از شکنجه را مشاهده می‌کنیم. این ماده اشعار

۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷) حکومت اسلامی در قرآن مجید، تهران: دارالکتب اسلامی، جلد دهم، صص ۴۱۹-۴۲۱

۲. صادقی، محمدهادی (۱۳۸۰) ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام، مجله‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره ۱

۳. امیرارجمند، اردشیر و همکاران (۱۳۸۶) مجموعه‌ی اسناد بین‌المللی حقوق بشر: اسناد جهانی، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، صفحه ۴۹۶ و ۴۹۷

می‌دارد که: شکنجه یعنی هر فعل عمدی که توسط آن درد یا صدمه‌ی شدید اعم از جسمی یا روحی، به منظور نیل به اهدافی از قبیل اقرار از قربانی یا شخص ثالث، مجازات قربانی برای عملی که وی یا شخص ثالث مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، مرعوب نمودن یا اعمال فشار بر قربانی یا شخص ثالث، یا به هر علتی که بر مبنای تبعیض از هرگونه، هنگامی که چنین درد یا صدمه‌ای توسط یک مأمور رسمی یا تحت نظارت وی یا با رضایت یا سکوت وی در ظرفیت رسمی اش صورت می‌پذیرد بر شخص وارد گردد.

از مشاهده‌ی متن ماده‌ی فوق، چند نکته قابل ذکر است:

الف- اقدام به شکنجه توسط شکنجه‌گر می‌بایست عمدی و آگاهانه باشد و استفاده از فعل عمدی، ظهور در همین معنا دارد. در واقع این منظور چیزی جز تبعیت از اصول و قواعد کلی حقوقی نیست که همانا عبارت از این خواهد بود که فاعل می‌بایست در فعل خود قاصد و عامد باشد تا آن فعل محقق گردد.

ب- مفهوم شکنجه عام بر هر آزار جسمی و روحی است و صرفاً در صدمه و آزار جسمی خلاصه و محدود نخواهد بود. هر فعل عمدی که هدف از آن ایجاد آسیب‌های روحی و تحت فشار قرار دادن حساسیت‌های روانی و حیثیتی فرد باشد نیز مطابق نص کنوانسیون شکنجه محسوب می‌شود.

ج- به عقیده‌ی نگارنده، مطابق آنچه نص کنوانسیون اشعار می‌دارد، زمانی می‌توانیم اذیت و آزار فرد را به عنوان شکنجه شناسایی و مجازات کنیم که هدف و منظور خاصی را دنبال کند. البته این امر نافی احراز شرایط دیگر نخواهد بود. منظور این است که شکنجه‌گر فردی است که از ضرب و جرح و سایر آزارهای روحی یا جسمی هدفی را دنبال می‌کند و به دنبال کسب اقرار یا مجازات فرد است و به نظر می‌رسد اگر تنها نیت وی از اذیت و آزار رنج دادن فرد و تخلیه‌ی کینه‌های شخصی و گروهی باشد عنوان شکنجه چندان صحیح به نظر نمی‌رسد و می‌توان از جرم ایراد ضرب و جرح عمدی نام برد.

د- استفاده‌ی صریح از لفظ مجازات در نص ماده نشانگر آن است که ادعای افرادی که مجازات‌های بدنی را از شکنجه جدا کرده و به این بهانه از اجرای مقررات حقوق بشر و حذف این مجازات‌ها طفره می‌روند مبنای صحیحی ندارد و کنوانسیون صراحتاً

شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین‌المللی و وضعیت نظام حقوقی ایران ■ ۱۸۷

اعمال صدمه‌ی جسمی و روحی به منظور مجازات را نیز شکنجه قلمداد کرده است. ه- به نظر می‌رسد کنوانسیون با استفاده از الفاظی قصد دارد که برداشت خاصی از شکنجه عرضه کرده و حساسیت و تاکید خود را حول محور اعمال این فعل از سوی دولت و ماموران دولتی قرار دهد.

گو اینکه شکنجه را در صورتی هدف منع و قبح قرار داده است که از سوی ماموران دولت و تحت نظارت و رضایت آنها و در هنگامی که با صلاحیت مامور دولتی بودن دست به چنین کاری می‌زنند. در حقیقت به نظر می‌آید دغدغه‌ی ناشی از منع کردن شکنجه در یک سند بین‌المللی، نگرانی از اعمال گسترده‌ی آن از سوی دولت‌ها و به صورت سیستماتیک بوده است. هرچند تغییر شرایط بین‌المللی و تحول در بازیگران بین‌الملل و نقش و جایگاه و قدرت آنها، امروزه این خطر از سوی گروه‌های غیر دولت، نهضت‌های آزادیبخش و سایر بازیگران به مراتب بیش از گذشته و زمان تصویب و طراحی این کنوانسیون حس می‌شود.

مبحث دوم- اعلامیه جهانی حقوق بشر

لازم به ذکر است که علاوه بر کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی بی‌رحمانه و موهن که بطور خاص و موردی به بحث شکنجه می‌پردازد، اسناد عام تر حقوق بشری و اسناد تشکیل دهنده‌ی منشور حقوق بشر، به بحث ممنوعیت و خلاف حقوق بشر بودن اعمال شکنجه پرداخته‌اند. برای مثال ماده‌ی ۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد اشعار می‌دارد که: " احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا خلاف انسانیت یا شئون بشری باشد". نگاهی گذرا به متن ماده‌ی ۵ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به ما نشان خواهد داد که استفاده‌ی عامدانه‌ی نویسندگان اعلامیه از الفاظ عام و تاکید بر انسانیت و شئون بشری، هم به عام و کلی بودن منع شکنجه و رفتارهای وحشیانه در هر نوع آن اشاره دارد و هم بار دیگر قرینه‌ای بر مبنا بودن کرامت انسانی برای منع و قبح شکنجه است.

مبحث سوم- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

علاوه بر اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، بر ممنوعیت شکنجه و رفتارهای ترذیلی اشاره و تاکید دارد: هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار، شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانیت یا ترذیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایشات پزشکی یا عملی بدون رضایت آزادانه‌ی او ممنوع است.

در متن ماده‌ی فوق دو نکته‌ی جالب توجه وجود دارد: اول آنکه مانند اعلامیه‌ی جهانی به خوبی مبنای قبح و منع شکنجه با استفاده از واژگانی نظیر خلاف انسانیت و ترذیلی نشان داده شده است و دوم آنکه در این ماده‌ی میثاق بحث آزمایش‌های پزشکی بدون رضایت و اعمال مشابه آن به نوعی رفتارهای مانند شکنجه و غیر انسانی و خلاف کرامت ذاتی انسان شباهت و قرابت داده شده است.

مبحث چهارم- کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید

سند دیگر بین‌المللی که در آن به ممنوعیت شکنجه اشاره‌ای هرچند گذرا شده است، کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید ۱۹۷۳ است که در بند اول ماده‌ی ۲ آن، اعمال شکنجه را به نوعی انکار حق حیات فرد قلمداد می‌کند که تعبیری مهم و قابل اعتنا به شمار می‌رود و با استفاده از لفظ انکار حق حیات، شکنجه را قریب به قتل و تخریب حیات فرد انسانی نشان می‌دهد.

فصل سوم: وضعیت شکنجه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

مبحث اول- شکنجه در قانون اساسی

اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هرگونه شکنجه را صراحتاً ممنوع کرده است. در بحث اینکه آیا منع مطلق از این اصل مستفاد است یا اینکه موارد تجویز را نیز می‌توان مجاز شمرد، سه رهیافت قابل امعان نظر خواهد بود:

رهیافت اول: از منظر لفظی و اصول فقهی، در صدر اصل ۳۸، بیان می‌دارد: "هرگونه شکنجه....." لذا باتوجه به دلالت بر عموم و اطلاق می‌توان رای به منع مطلق شکنجه

شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین‌المللی و وضعیت نظام حقوقی ایران ■ ۱۸۹

در نظام حقوقی ایران داد.^۱

رهیافت دوم: از منظر تفسیر قصد گرا و فقه المقاصدی^۲، نگاهی به مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ذیل اصل ۳۸، آشکار می‌کند قصد واضعین قانون در زمان وضع بر منع مطلق شکنجه و به عبارتی اطلاق اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.^۳

رهیافت سوم: از آن جایی که مطابق آرمان‌های ملت ایران در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و همچنین اصول و فلسفه‌ی قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران یک نظام دموکراتیک به حساب می‌آید، اقتضای امنیت شهروندان در یک نظام دموکراتیک یکسان‌سازی معیارها و استانداردها در مواجهه با شرایط مشابه و پیش‌بینی پذیر کردن رفتار حاکمیت و دستگاه‌های حاکمیتی و ماموران تحت امر آنهاست. با توجه به اینکه شکنجه در کسب اقرار محدود نمی‌شود و شامل کسب هرگونه اطلاعات هم هست، امنیت و آسایش روانی شهروندان و پیش‌بینی پذیر کردن شرایط برای آنها اقتضا دارد که شکنجه صراحتاً و بطور مطلق منع گردد که در نظام بین‌المللی حقوق بشر هم همین مساله مورد تاکید است و بر هنجارهای بین‌المللی که در مباحث آتی به آن خواهیم پرداخت، چنین منطقی حکمفرماست.

مبحث دوم - شکنجه در قوانین عادی

مورد اول، بند ۹ ماده واحده‌ی قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ است که در آن هرگونه شکنجه برای اخذ اقرار را ممنوع اعلام کرده و نتایج حاصل از آن را فاقد حجیت شرعی و قانونی می‌داند. مورد دوم، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ است که در ماده‌ی ۴ آن هرگونه

۱. نوبهار، رحیم (۱۳۹۳) جزوه‌ی حقوق بشر در اسلام، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۹۴-۱۳۹۳

2. intentionalism

۳. در این زمینه بیانات مرحوم آیت الله بهشتی در پاسخ به مرحوم مشکینی جالب توجه است. نگاه کنید به: صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلسه‌ی اول تا سی و یکم (۱۳۶۴) تهران، انتشارات اداره امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، صص ۷۷۷-۷۸۰

صدمه آسیب و شکنجه علیه کودکان و نوجوانان را ممنوع اعلام نموده و برای آن مجازات مقرر شده است.

بحث اعلام ممنوع بودن شکنجه یا توجه به آن در جای جای برخی قوانین دیگر ایران مثل قانون آیین دادرسی کیفری به چشم می‌آید اما نکته در پراکندگی و عدم جامعیت آنهاست. این مساله در سال‌های دور تر و بویژه در زمانی که اصلاح وجهه برخی قوانین کشور و مبارزه با ارابه چهره‌ی ضد حقوق بشری از ایران توسط برخی گروه‌ها در مجامع بین‌المللی، در دستور کار دولت وقت بود، بسیار در معرض توجه قرار گرفت.

برخی مسئولین جمهوری اسلامی ایران در آن مقطع معتقد بودند که پراکندگی و عدم شفافیت قوانین و مقررات باعث می‌شود که تضمین جامع و کافی برای جلوگیری از موارد احتمالی شکنجه فراهم نشود.^۱ لذا بحث‌هایی پیرامون تصویب یک قانون جامع و کامل جهت اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی در راستای شعار و تاکید ریاست جمهوری وقت بر اجرای تمامی اصول قانون اساسی و نظارت و پیگیری بر اجرای آن، مطرح گردید.^۲

در همین راستا طرح موسوم به طرح ۱۰ ماده‌ای اجرای اصل ۳۸ در مجلس وقت شورای اسلامی تصویب و برای تایید نهایی به شورای نگهبان تقدیم شد. این طرح در شورای نگهبان رد شد به این دلیل که شورا، معتقد بود آنچه در متن طرح به عنوان مصادیق شکنجه تشریح و احصا شده است، ممکن است در دادگاه‌ها به عنوان مجازات قانونی مورد حکم قاضی قرار بگیرد و در واقع معتقد بود که مصادیق مطرح شده به نوعی با حقوق و مجازات‌های اسلامی متعارض است و داشتن چنین برداشتی به عنوان یک قانون برای مبارزه و منع شکنجه به مصلحت نخواهد بود. ایراد دیگر شورای نگهبان متوجه به بار مالی طرح و عدم پیش بینی‌های لازم برای اجرای آن بود.^۳

۱. شفیعی نیا، محمد (۱۳۸۸) مطالعه تطبیقی اصل منع شکنجه در سه نظام حقوقی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ص ۱۵۱

۲. برای مشاهده اجمالی این نگرانی‌ها و برخی موارد پیگیری نگاه کنید به: مهرپور، حسین (۱۳۸۴) وظیفه‌ی دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی، تهران: نشر ثالث، چاپ اول،

۳. مجموعه نظریات شورای نگهبان (۱۳۸۴)، نشر دادگستر، چاپ اول، دوره ششم سال چهارم، صص ۳۷۲-۳۴۳

شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین‌المللی و وضعیت نظام حقوقی ایران ■ ۱۹۱

مبحث سوم- سرنوشت کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بی‌رحمانه، غیر انسانی و موهن در نظام حقوقی ایران

چنان که پیش تر گفتیم طرح ۱۰ ماده‌ای اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی با برخورد به سد شورای نگهبان به نتیجه نرسید و کنار گذاشته شد. در این مقطع برخی نمایندگان مجلس وقت، طرحی با عنوان پیوستن ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه مطرح نمودند. این طرح در خود مجلس شورای اسلامی هم مخالفانی داشت که عمده‌ی بحث آنها پیرامون این مساله بود که برخی مسایل ذکر شده در کنوانسیون و شناسایی برخی موارد تحت عنوان مصادیق شکنجه، با احکام و حقوق اسلامی و شریعت مقدس مغایرت دارد و شامل حدود، قصاص و برخی تعزیرات هم می‌شود.

طرح پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع شکنجه در تاریخ ۸۱/۱۲/۲۸ در مجلس مطرح و‌النتیجه در تاریخ ۸۲/۵/۱ به تصویب رسید.

با فرستاده شدن مصوبه به شورای نگهبان و آغاز بررسی آن در سه نوبت شورای نگهبان ایراداتی بر طرح تصویب شده وارد و اصلاحات مجلس را کافی ندانست و نهایتاً طرح به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و با تغییر گفتمان و دغدغه‌های حاکم بر کشور به بوته‌ی فراموشی سپرده شد.

ایرادات اساسی شورای نگهبان بر طرح پیوستن دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع شکنجه را می‌توان بطور عمده در موارد زیر خلاصه نمود:

الف- اولین ایرادی که شورای نگهبان در نوبت نخست بررسی به طرح وارد نمود عبارت بود از مغایرت الحاق به شکل طرح با شمول اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی (۸۲/۵/۲۷)

ب- دومین ایراد در نوبت اول بررسی توسط شورای نگهبان عبارت از این بود که شورای مذکور اعتقاد داشت مواد ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۷، ۱۸ و ۳۰ طرح بار مالی به هزینه‌های عمومی کشور وارد می‌آورد در حالی که این بار مالی پیش بینی نشده است.

ج- در نوبت دوم بررسی شورای نگهبان اعلام داشت که اصلاحات به عمل آمده از سوی مجلس شورای اسلامی رافع ایرادات اقامه شده در نوبت قبلی نیست. (۸۲/۱۰/۱۸)

د- در نوبت سوم بررسی این بار شورای نگهبان به طرح مذکور از راه اصول ۵۷ و

۱۵۶، ایراد قانون اساسی وارد آورده و آن را رد نمود. (۸۲/۶/۱۸)^۱
اجمالاً به نظر می‌رسد مشکل اصلی شورای نگهبان به مانند برخی مخالفین طرح در مجلس شورای اسلامی، مسأله‌ی شرعی و تسری حکم ممنوعیت شکنجه به برخی حدود، قصاص و تعزیرات و منع مطلق مجازات‌های بدنی بوده است و اتکا به اصولی مانند ۷۷، ۱۲۵، ۵۷ و... و طرح بحث هزینه‌های عمومی ایرادات فرعی شورا به طرح الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع شکنجه می‌باشد.

مبحث چهارم - پاسخ به برخی ادعاها پیرامون خلاف شرع بودن تصویب کنوانسیون منع شکنجه در نظام حقوقی ایران

در رابطه با دلیل مخالفت‌ها با تصویب کنوانسیون منع شکنجه در ایران، برخی به دلایل شرعی اشاره کرده و آن را مخالف شریعت اسلامی می‌پندارند. حتی عده‌ای با طرح بحث تزاخم اهم و مهم و دفع افسد به فاسد و با نسبی تلقی کردن نفوذ هنجارها و ارزش‌های حقوق بشری، چنان که پیش تر رفت، منع مطلق شکنجه را خلاف پنداشته و استدلال‌های خود را عقلی و شرعی می‌پندارند.^۲ این عده بحثی طرح می‌کنند با این عنوان که گرچه شکنجه کردن متهم در ذات خود امری باطل و فاسد تلقی می‌شود، اما گاه می‌تواند به دفع افسدی کمک کند. باید دید تا چه حد روح تعالیم اخلاقی مکتب اسلام اجازه‌ی چنین برداشتی را می‌دهد. که اثبات چنین ادعایی بر عهده‌ی مدعیان آن خواهد بود.

اجماع فقها در پاسخ به این سوال که "اگر الف، ب را با شکنجه بکشد آیا می‌توان او را به همان روش و با مقابله‌ی به مثل مجازات نمود"، منفی است. چرا که شکنجه چنان قبیح به شمار می‌آید که صدور چنین جوازی دشوار خواهد بود.^۳ (برای مطالعه‌ی بیشتر به فصل ممنوعیت شکنجه در آیینی فقه اسلام مراجعه شود)

۱. همان، صص ۳۴۳-۳۷۲

۲. نگاه کنید به نظر مرحوم آیت الله مشکینی در مذاکرات مجلس قانون اساسی (۱۳۶۴) صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلسه‌ی اول تا سی و یکم، تهران:

انتشارات اداره امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، صص ۷۷۷-۷۸۰

۳. نوبهار، رحیم، جزوه حقوق بشر در اسلام، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳-۹۴

شکنجه: مبانی اندیشگی منع در اسناد بین‌المللی و وضعیت نظام حقوقی ایران ■ ۱۹۳

سیره‌ی معصومین سلام الله علیهم، یکی از منابع اصلی و اساسی فقه جعفری و استنباط در مکتب تشیع است که می‌باید قطعا جزء منابع اصلی شورای نگهبان قانون اساسی برای انطباق یا عدم انطباق مصوبات با شرع به حساب آید. برای مثال، در جریان مجروح شدن امیرالمومنین علی علیه السلام و شهادت حضرت، در منابع اسلامی آمده است که حضرت اطرافیان را از رواداشتن هرگونه آزار، تعدی و شکنجه بر مهاجم منع کرده‌اند.^۱

لازم است اشاره کنیم در اصول فقه اسلامی و در برخی مکاتب اهل سنت، مفهومی به نام "سد ذرایع" را مشاهده می‌کنیم. هرچند فقهای امامیه این مفهوم را بطور کلی نپذیرفته‌اند، اما ارجاع و بهره‌گیری از آن بطور جامع به عنوان یک اصل مطرح شده در منابع اسلامی، شایان توجه است. در مفهوم "سد ذرایع" معتقدند که هر عملی که عاداتا سرانجام منجر به مفسده‌ای گردد بایستی ممنوع اعلام شود. در واقع به بیانی بسیار ساده و خلاصه به ما می‌گوید هر راهی که به وقوع شر یا حرامی منتهی می‌گردد باید بسته شود.^۲ در مورد شکنجه هم اگر چنانچه راه این کار ولو به صورت محدود باز شود و شکنجه را به خوب و بد تقسیم کنیم، دیگر دشوار خواهد بود بتوانیم امنیت شهروندان را تامین و مانع بروز مفسد آتی و همه‌گیری آن شویم. در واقع باز کردن این راه نوعی به مشروعیت عمل شکنجه گران منجر خواهد شد. قابل ذکر است که چنین اصلی در منابع حقوق بریتانیا و نظام‌های کامن لا وجود دارد و از اصلی به نام "جاده‌ی سراشیب لغزنده"^۳ صحبت می‌شود.

مبحث پنجم - اهمیت پیوستن دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بی‌رحمانه، غیر انسانی و موهن اهمیت اولی که به عقیده‌ی نگارنده می‌توان برشمرد، بحث وفاداری به تعهدات

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، جلد ۴۲، ص ۲۸۹

۲. محقق داماد، آیت الله سید مصطفی (۱۳۹۰) مباحثی از اصول فقه: دفتر دوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ شانزدهم، ص ۱۸۸

3. Slippery slope

۴. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

slippery slope argument and legal reasoning, Eric Lode, December (1999), California Law Review, Volume 87, Issue 6

بین‌المللی است. از آنجا که ایران جز اولین کشورهای موسس سازمان ملل متحد و از پیشگامان ترویج پایبندی کشورها به تعهدات بین‌المللی خود بوده و همواره از سوی دیگر کشورها بواسطه‌ی عدم پایبندی آنان و نقض تعهدات بین‌المللی متضرر گشته است، لازم است در جهت تحکیم منویات منشور ملل متحد بیش از پیش بکوشد. مقدمه‌ی قطعنامه‌ی مجمع عمومی ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در مورد منع شکنجه و مجازات‌ها و رفتارهای وحشیانه غیر انسانی یا تحقیر آمیز اشاره دارد که: از آنجا که منشور ملل متحد در ماده‌ی ۵۵ دولت‌ها را موظف به اقدام جهانی و قاطع جهت حفظ حقوق انسان‌ها و آزادی‌های اساسی نموده است، در افزایش تمایل به مبارزه با شکنجه بویژه از نوع سیستماتیک دامن زده است. به نظر می‌رسد همین مرجع و اشاره به ضرورت اجرای ماده‌ی ۵۵ منشور ملل متحد یک دلیل اصلی برای پیوستن جمهوری اسلامی ایران باشد.

دلیل دوم این است که همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم حتی برخی از مسئولین جمهوری اسلامی ایران در مقطعی به فقدان قانونی یکپارچه برای منع شکنجه و مجازات متخلفین اعتراف داشته و خواهان نوعی یکپارچگی و جامعیت در قالب یک قانون روشن آشکار و صریح شدند و در این میان آشکار تر و واضح تر از هر قانونی کنوانسیون منع شکنجه می‌تواند باشد.

دلیل سوم، حفاظت از وجهه‌ی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و مبارزه با تلاش‌های برخی کشورها و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در جهت مخدوش کردن وجهه‌ی بین‌المللی کشور از طریق اتهامات حقوق بشری بی‌اساس است که از ابتدای انقلاب اسلامی همواره به عنوان ابزاری برای تخریب جایگاه جهانی جمهوری اسلامی مورد استفاده واقع شده است. دولت ایران می‌تواند با پیوستن بیش از پیش به کنوانسیون‌های حقوق بشری به ویژه کنوانسیون منع شکنجه با این مقوله‌ی آسیب‌زا در عرصه‌ی نظام بین‌المللی مبارزه کرده و مانع سهولت استفاده‌ی ابزاری از حقوق بشر جهت تخریب چهره‌ی بین‌المللی خود شود.

نتیجه‌گیری

چنان که دیدیم، شکنجه مطابق مبانی و اصول حقوق بشر معاصر، کرامت انسانی، دیدگاه‌های فلسفی اخلاق‌گرا و در آینه‌ی فقه اسلامی امری مردود و قبیح است و شکی در اینکه می‌باید متعلق منع واقع شود وجود ندارد. با توجه به مبانی مذکور و همچنین صراحت و تاکید مجموعه‌ی اسناد بین‌المللی حقوق بشری بویژه منشور بین‌المللی حقوق بشر، جایی برای تردید نخواهد ماند که پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه یک ضرورت خواهد بود و علاوه بر این ضرورت، به لحاظ حقوق داخلی مطابق آنچه در سیر تاریخی این بحث ملاحظه کردیم، از نظر نگارنده مشکل لاینحلی برای پیوستن به این کنوانسیون‌ها در نظام جمهوری اسلامی وجود ندارد و ساختار شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام با توجه به انعطاف و پویایی فقه شیعه و همچنین مصلحت سنجی نیازهای بین‌المللی کشور این زمینه را مهیا خواهند ساخت که این امر نیازمند اراده‌ای جمعی برای پیگیری است. در روزگار کنونی که متأسفانه حقوق بشر بیش از پیش به عنوان ابزاری سیاسی جهت تخریب کشورها در آوردگاه بین‌المللی به کار گرفته می‌شود شایسته است با پیوستن به کنوانسیون‌های این چنینی بیش از پیش به استانداردهای موازین حقوقی در جمهوری اسلامی پرداخته و از بهانه جویی و سیاه‌نمایی برخی مجامع جلوگیری شود. به نظر می‌رسد در این راه یکی از مشکلات اساسی ایران در بحث پیگیری کنوانسیون‌های حقوق بشری و از جمله کنوانسیون منع شکنجه، نظارت بر اجرای آنها، پاسخگویی به اتهامات احتمالی و همچنین پیگیری و تحقیق در رژیم حقوق داخلی کشور و بررسی الزامات یا نیازهای کشور در پیوستن به کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشر، عدم وجود یک نهاد مشخص، معین و تخصصی دارای صلاحیت‌های لازم در نظام جمهوری اسلامی ایران برای امور مربوط به حقوق بشر می‌باشد و به نظر می‌رسد که تشکیل یک معاونت در وزارت امور خارجه با صلاحیت‌های مدون و عام برای پیگیری و پاسخگویی به مسایل حقوق بشری و تفکیک نیازمندی‌های کشور در این زمینه بتواند بخشی از مشکلات کشور را در این زمینه حل و فصل کند و پاسخگوی مجامع حقوق بشری باشد. به ویژه در روزگار کنونی که مساله‌ی حقوق بشر از یک آرمان انتزاعی به مقرراتی دارای ضمانت اجرا در چارچوب ملل متحد تبدیل شده و با فرا رسیدن عصر

همبستگی ملت‌ها، حقوق بشر یک سنگ محک جدی در عرصه‌ی بین‌المللی برای کشورها شده است. شکل‌گیری چنین نهادی می‌تواند مانع بروز ضمانت‌اجراه‌های خطرناک در اثر اتهامات و فشارهای سیاسی به بهانه‌ی حقوق بشر به نظام جمهوری اسلامی خواهد شد و می‌تواند با جهت‌گیری عالمانه و تخصصی پاسخ‌بخشی از اتهامات را بدهد و پیگیری کاستی‌های احتمالی را در دستور کار قرار دهد.



فهرست منابع

الف- کتب و مقالات فارسی

- ۱- اسکروتین، راجرز (۱۳۷۵) کانت، علی پایا، تهران، طرح نو، چاپ اول،
- ۲- امیرارجمند، اردشیر و همکاران (۱۳۸۶) مجموعه‌ی اسناد بین‌المللی حقوق بشر: اسناد جهانی، تهران، مرکز چاپ و نشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم
- ۳- حسینی طهرانی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۵) ولایت فقیه در حکومت اسلام، تهران: انتشارات موسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، چاپ اول، جلد چهارم
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸) ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش،
- ۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا، چاپ دوم
- ۶- ساکت، محمدحسین (۱۳۷۰) نگرشی تاریخی به فلسفه‌ی حقوق، تهران: جهان معاصر، چاپ اول
- ۷- سالیوان، راجر (۱۳۸۰) اخلاق در فلسفه کانت، عزت الله فولادوند، تهران، طرح نو، چاپ اول
- ۸- شفیعی نیا، محمد (۱۳۸۸) مطالعه تطبیقی اصل منع شکنجه در سه نظام حقوقی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول
- ۹- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۰) ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام، مجله‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره اول
- ۱۰- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۹۰) حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: شهردانش، چاپ دوم
- ۱۱- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۸) درس‌های فلسفه‌ی اخلاق، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: انتشارات نقش و نگار، چاپ چهارم
- ۱۲- محقق داماد، آیت الله سید مصطفی (۱۳۹۰) مباحثی از اصول فقه: دفتر دوم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ شانزدهم
- ۱۳- محمدی، مسلم (۱۳۸۹) مکتب‌های نسبی‌گرایی اخلاقی، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ اول
- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷) حکومت اسلامی در قرآن مجید، تهران: دارالکتب اسلامی، جلد دهم
- ۱۵- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹) مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران: نشر سراسی، چاپ سوم، جلد سوم
- ۱۶- مهرپور، حسین (۱۳۸۴) وظیفه‌ی دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی، تهران: نشر ثالث،

چاپ اول

۱۷-نوبهار، رحیم (۱۳۹۳) جزوه‌ی حقوق بشر در اسلام، تهران: دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی

---، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جلسه‌ی اول تا سی و یکم (۱۳۶۴) تهران، انتشارات اداره امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول

---، مجموعه نظریات شورای نگهبان (۱۳۸۴) دوره ششم سال چهارم، نشر دادگستر، چاپ اول

ب- کتب و مقالات عربی

۱-حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۰۹) الفقه، بیروت: دارالعلوم، الطبعة الثانية، جلد ۴۷
۲-طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، النشر الاول، مکتبه الاعلام الاسلامی، المجلد السادس

۳-مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، جلد ۴۲

۴-محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸) مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت، جلدنهم
۵-محمود عبد الرحمن عبد المنعم، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهیة، جامعة الأزهر، جلد اول

ج- کتب و مقالات لاتین

- 1-Hawkins J(1989),The oxford reference dictionary,oxford university Caledon press , oxford, p 31
- 2-Deaton M(2011 2013 **Ethics in a Nutshell: An Intro for Ethics Bowlers, Second Edition** Published by Notaed Press, Hanover
- 3-Lode E(1999)slippery slope argument and legal reasoning ,California Law Review ,Volume 87,Issue 6
- 4- Ten Facts about Torture, <https://www.cvt.org/blog/healing-and-human-rights/ten-facts-about-torture>, 26,Jan, 2019